

فکر کردن را به لذت تبدیل کنیم!

گزارش نشست علمی «آموزش تفکر به کودکان»
با حضور محمد حاج میرزایی

..... اشاره
 آدمی با «تفکر» و «اراده» از سایر موجودات متمایز می‌شود و یکی از اهداف مشترک نظام‌های تعلیم و تربیت در جهان، تقویت تفکر و اراده است. موضوع «آموزش تفکر به کودکان»، موضوع نشست علمی با حضور محمد حاج‌میرزایی، پژوهشگر حوزه آموزش تفکر و سردبیران مجلات رشد دانش آموزی، در تاریخ ۹ آبان ۱۳۹۴ در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» بود. آنچه در پی می‌آید، گزارشی از این نشست است.

محمد حاج‌میرزایی: یکی از روش‌های اصلی که در همه‌جا برای آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان از آن استفاده می‌شود، استفاده از داستان است. داستان جذابیت دارد و کودکان و نوجوانان را وارد دنیایی می‌کند که منطق‌های ویژه خودش را دارد و در آن منطق‌ها می‌توان چالش ایجاد کرد. در برخی دانشگاه‌ها می‌کوشند، با طراحی داستان‌های نسبتاً کوتاه که راهنمایی‌هایی هم برای معلمان دارند، بحثی بین بچه‌ها شکل دهند. این بحث را معلم نباید هدایت کند، بلکه باید بکوشد بچه‌ها احساس کنند، خودشان بحث را جلو می‌برند. ولی در اصل، معلم با شکل‌دهی به پرسش‌ها این روند را به آن جایی که می‌خواهد برساند.

توصیه شده است که تربیب این مدل‌ها هم رعایت شود. بر اساس این سه مدل، شش روش طراحی شده که تمرین‌هایی برای مدل‌های تفکر هستند.
 سه سؤال اول به تفکر شناختی مربوط می‌شوند. قسمت اول مربوط به «حفظ کردن» است. با مطرح کردن چنین سؤال‌هایی در بحث، کمک می‌کنیم که مشخص شود مخاطب داستان را خوانده و به یادش مانده یا نه. مرحله بعد «فهمیدن» داستان است و سؤال‌هایی در این مرحله مطرح می‌شوند. در داستان تصریح شده است، دانش آموز به تحلیل کردن داستان نیاز ندارد. این سؤال‌ها کمک می‌کنند روابط علت و معلولی درک شود. قسمت سوم «به‌کار گرفتن روابط

علت و معلولی» داستان است. این سؤال‌ها به درک اهداف داستان کمک می‌کنند.

بعد از این سه مرحله، در دو مرحله تفکر انتقادی را تمرین می‌کنیم. مرحله چهارم «تحلیل کردن» است. در سؤال‌های این مرحله از فضای داستان خارج می‌شویم و مقدمه‌ای برای قضاوت کردن فراهم می‌شود. مرحله پنجم «ارزش‌گذاری» است که کمک می‌کند کودک دنیایی را که در داستان درک کرده است، ارزیابی کند.

مرحله ششم، «تفکر خلاق» است و وقتی شکل می‌گیرد که پنج مرحله قبلی انجام شده باشد. در این مرحله کودک باید بتواند پایان‌بندی خلاق برای داستان در نظر بگیرد و این موضوع ریشه در تحلیل‌هایی دارد که در مراحل قبل انجام شده است.

موضوع مهم این است که چه داستان‌هایی مناسب این کار هستند. دو ویژگی اصلی وجود دارد: یکی اینکه داستان یک چارچوب فکری داشته باشد که برای مخاطب قابل درک باشد. دوم اینکه داستان به اصطلاح رو نباشد تا بتوان آن را تحلیل کرد. مسئله سوم که خاص فرهنگ ماست، این است که باید توجه کنیم این داستان‌ها با جهان فرهنگی ما ارتباط داشته باشند. در موضوع فلسفه برای کودکان، بیشتر آثاری که در ایران وجود دارند، آثار ترجمه شده و البته موفق هم هستند، ولی این ویژگی در آن‌ها رعایت نشده است.

انتشاراتی به اسم «پن کورت» در انگستان، مجموعه کتاب‌هایی را به اسم «فلسفه و فرهنگ عامه» چاپ کرده است. این مجموعه به عنوان یک مثال موفق می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد. در هر جلد از این مجموعه به یکی از موضوعات عامه‌پسند پرداخته شده است. در یکی از مقالات

این
مجموعه

از «انیمشین

باب اسفنجی» و

شخصیت پاتریک استفاده کرده

است تا موضوع دانایی و دوستی

را مطرح کند و مخاطب را به

چالش بکشاند. ما هم داستان‌ها

و حکایت‌های زیادی در ادبیات

کلاسیک داریم که می‌توان به عنوان

ماده خام از آن‌ها استفاده کرد.

بخش نهایی صحبت‌ها این است که برای

اجرای آموزش تفکر و برگزاری کلاس‌های

آن، دانش‌آموز به ابزاری نیاز دارد که ذهن

او را برای بحث آماده کند. یکی از راحت‌ترین

راه‌های تمرین ذهن استفاده از پازل و چیستان

است. این موارد را همیشه در مجلات رشد

دیدیم، اما مسئله این است که این پازل‌ها بیشتر

یا پایه ریاضی دارند یا پایه منطقی. علاوه بر این‌ها،

چند مدل تفکر دیگر را هم می‌توان تمرین کرد

که من آن‌ها را کمتر دیده‌ام. اسم کلی این مدل‌ها

حاج میرزایی: چرا. من عرض کردم کارهایی که انجام می‌شود کمک می‌کند.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: این بخش شامل بازی‌های جمعی هم می‌شود؟

حاج میرزایی: درست است. خیلی اوقات به کمک بازی می‌توان تفکر را یاد داد و شاید بازی برای بچه‌ها از حالت‌هایی که نام بردم جذاب‌تر هم باشد. مثالی که با دیدن این صفحه به ذهنم رسید، یک بازی بود که در یکی از مدرسه‌ها اجرا شده بود و در واقع شبیه‌سازی بورس بود. بازی‌ها خیلی جذاب‌اند و به تفکر هم کمک می‌کنند. البته تأثیر آن‌ها محدودتر از معماهاست. طراحی معماها سخت‌تر است و در مقابل اثر عمیق‌تری هم برجا می‌گذارد.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات عمومی: خانم دکتر چمن‌آرا در مجلهٔ برهان بخشی را شروع کرده‌اند که در آن ترجمه‌ای را چاپ می‌کنند با عنوان «آلیس در سرزمین معماها» و شامل معماهای منطقی است.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطهٔ اول: البته ما برای بحث تفکر در بخش‌های دیگر، تفکر علت و معلولی را هم داریم که در ریاضی مطرح است.

راستی: آیا فلسفه قرار است ما را زودتر به جواب برساند؟
حاج میرزایی: خیر، فیلسوف‌ها می‌گویند فلسفه کمک می‌کند بهتر بتوانیم سؤال پرسیم و سؤال‌های بهتری بپرسیم.

راستی: اگر بگوییم بهترین جواب‌ها برای سؤال‌های بی‌جواب است، این هم فلسفه است؟ چون یک وقت می‌گوییم فلسفه زایندهٔ عقل است. اما چرا عقل آدم‌ها راه‌های مختلف رفته است؟ بچه‌ها با تخیل بیشتر سروکار دارند. فلسفیدن

«معماهای

تفکر جانبی» است. یعنی ما با یک داستانی مواجه می‌شویم و باید به نکته‌ای توجه کنیم که بتواند آن معمارا حل کند. یک سلسله از این معماها پیش‌داوری‌های ذهن ما را به چالش می‌کشد. یک سلسلهٔ دیگر به واقعیت‌ها اشاره دارند. مدل سوم به تخیل احتیاج دارد و می‌تواند تخیل کودک را تقویت کند. در دستهٔ چهارم، توجه به معنای دقیق کلمه‌هایی که در داستان آمده‌اند، به حل معما کمک می‌کند. مدل آخر معماهای منطقی هستند. این معماها به این خاطر که رگه‌هایی از طنز و شوخی دارند و جالب هستند، افراد را به راحتی درگیر می‌کنند. تجربه نشان داده است که کار کردن با این معماها ذهن را تقویت می‌کند و افراد پس از مدتی مهارت پیدا می‌کنند.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: صفحهٔ «جشن تفکر» در مجلهٔ رشد نوجوان با این موضوع هم‌راستا نبود؟

بچه‌ها را منطقی بار می‌آورد و یکی از خطرات این امر آن است که بچه خیلی زود بزرگ می‌شود و بزرگ شدن هیچ نفعی برای او ندارد. زندگی فقط رسیدن به مقصد نیست. مسیر هم لذت‌بخش است. من فکر می‌کنم باید ببینیم فلسفه اولویت چندم بچه‌هاست. رسیدن به مقصد مهم است یا اینکه راه و مسیر هم اهمیت دارد.

حاج میرزایی: حرف شما منطقی است، اما دو نکته وجود دارد: یکی اینکه تعریف فلسفه در راه بودن است، نه به مقصد رسیدن. نکته دوم این است که اگر ما این کار را انجام ندهیم، به این معنا نیست که بچه‌ها فکر نمی‌کنند. فکر می‌کنند، اما به شیوه‌ای که خودشان می‌خواهند و آثار فرهنگی به آن‌ها القا می‌کنند. اگر روی ابزار فکر کردن تمرین کرده باشند، راحت‌تر می‌توانند تصمیم بگیرند و ذهنشان عمیق‌تر می‌شود.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: تعارض اخلاقی که به وجود می‌آید هم خیلی مهم است. در قسمت ارزش‌گذاری که شما فرمودید، داشته‌های گذشته ما خیلی به ارزش‌گذاری کمک می‌کنند.

حاج میرزایی: بله کاملاً درست است.

حشمتی: اگر درباره گفت‌وگو کردن و بحث اقناع هم صحبت کنیم مفید خواهد بود. فکر می‌کنم در این موضوع مشکلات زیادی وجود دارد. ما اقناع را داریم از دست می‌دهیم. اگر جنس گفت‌وگو اقناعی شود، بحث‌ها بسیار نتیجه‌بخش‌تر خواهند بود. زمان ما را برده خود کرده است و نمی‌گذارد فکر کنیم. ما باید در بحث تفکر گفت‌وگوی اقناعی را هم مطرح کنیم.

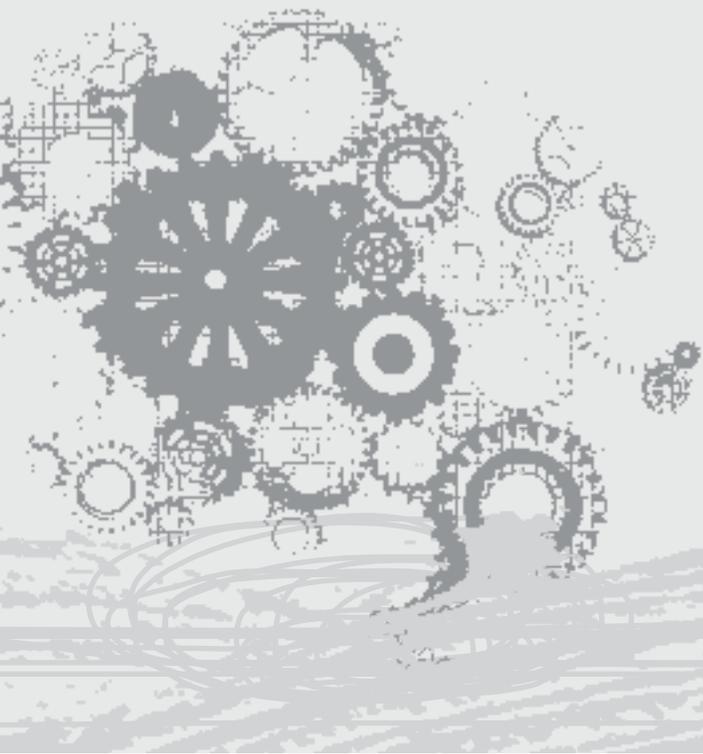
حاج میرزایی: هابر ماکس این موضوع را مورد توجه قرار

داده است. در گفت‌وگو باید فرایند غالب و مغلوب از بین برود، وگرنه بحث‌ها به جدل تبدیل می‌شوند.

حشمتی: گفت‌وگو برای رسیدن به منافع مشترک است، درحالی که در بحث و جدل هرکس در موضع خودش ایستاده است. فضای جامعه ما بحث و جدل را ترویج می‌کند. **حاج میرزایی:** در سنین کودکی می‌توان این موضوعات را به خوبی آموزش داد.

راستی: خیلی استفاده کردم. دست شما درد نکند. به نظرم صبحت امروز آقای میرزایی خیلی مهم و کاربردی بود. واقعیت این است که الان در اهداف و رویکردهای محتوایی

حاج میرزایی: دانش آموز به ابزاری نیاز دارد که ذهن او را برای بحث آماده کند. یکی از راحت‌ترین راه‌های تمرین ذهن استفاده از پازل و چیستان است



که دفتر برای مجلات در نظر دارد، بحث تفکر و اندیشیدن خیلی اهمیت دارد. در کنار خیال‌پردازی و فانتزی و قالب‌های زیبا، طرح رگه‌های تفکری که بنابر ظرفیت ذهنی، شناختی و عاطفی بچه‌ها می‌تواند مفید باشد و در نهایت به رفتار و کنش بیرونی هم بینجامد، قابل تأمل است. با همه این اوصاف، ما در این بحث فقر تئوری داریم و هم در مورد کاوی‌ها دچار خلأ هستیم. از طرف دیگر، هم در روابط اجتماعی و هم در مدارس به شدت فقر فکر کردن وجود دارد.

فلسفه جزو علوم پیچیده است. ما در فلسفه اسلامی غنی هستیم، ولی از این جهت که آن مفاهیم را به زبان روز بیان کنیم فقیر هستیم. اغلب کارهایی که می‌توان به جوانان توصیه کرد کارهای ترجمه‌ای هستند. مورد دوم این است که ما با نگاه داستان فانتزی و تخیلی کار می‌کنیم و این نگاه با ساختار داستان‌های فلسفی که در آن‌ها چالش‌های فکری وجود دارد، در تضاد است. در مجلات رشد تجربیات خوبی وجود دارد، اما موضوع تفکر هنوز جای کار دارد. در یک فرصت دیگر باید بحث کنیم که آیا این کار با «درک لذت متن» در تضاد است یا نه.

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش‌آموز: تشکر می‌کنم. بحث کاربردی و مفیدی بود. زیربنای این بحث به این موضوع بازمی‌گردد که در ادبیات کودک و نوجوان مفهوم تخیل خوب فهمیده نشده و غلتیدن به وادی اوهام و فانتزی از نوع غیر عینی، نوعی تخیل فرض شده است. درحالی‌که انسان تنها موجودی است که حتی واقعیت را از طریق تخیل می‌فهمد. به این معنا که درک یا قدرت فاهمه برای موجودات دیگر یکسان است. در اینجا دخالت مسئله زبان

مطرح می‌شود و آنچه معنای لغوی منطق است. بنابراین ادبیات کودک و نوجوان ما تخیل را به خوبی نفهمیده است و ما در زمینه فکر و عمل بچه‌ها غالباً محتاج آثار ترجمه شده هستیم. از این نظر جلسه امروز بسیار مفید است و تلنگری به ما می‌زند که ادبیات کودک باید به زندگی و عینیت‌ها برگردد. فکر کردن مشکل‌ترین کار و محتاج مشاهده است. ما در تمدن خودمان کم مشاهده می‌کنیم و به سمت انتزاع حرکت می‌کنیم.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: بحث تخیل و تفکر دامنه بسیار گسترده‌ای دارد. من تخیل را از تفکر جدا نمی‌دانم. در صحبت‌ها به دو وجه اشاره شد: یکی مربی و یکی متن. من فکر می‌کنم بدترین متن با قابلیت یک مربی خوب می‌تواند دستاویزی برای رسیدن به هدف دلخواه باشد. بنابراین جدا کردن تفکر از تخیل اشتباه است.

راستی: من هم با صحبت خانم گرمارودی موافقم. شکل دنیای بچه‌ها تخیل است، اما مفاهیم همیشه وجود دارند. اگر بازی با مفهوم هماهنگ شود، کودک لذت خواهد برد. ما به این دلیل از نمونه‌های خارجی استفاده می‌کنیم که فکر کردن جزئی از فرهنگ آن‌هاست. درحالی‌که در فرهنگ ما این‌گونه نیست. افراد غالباً اول حرف می‌زنند و بعد فکر می‌کنند. این ساختار باید اصلاح شود. واقعیت این است که در کشور ما فکر کردن ارزش و جایگاه واقعی ندارد. همه ما باید تلاش کنیم با هم مهربان باشیم و دوست داشتن و ارزش‌گذاری برای عقل و تفکر را ترویج دهیم. به نظر من در دنیای بچه‌ها دوست داشتن و لذت بردن اصلی‌ترین مواردند. باید بتوانیم فکر کردن را به لذت تبدیل کنیم.